

	درس 2 ریشه و شاخه های فلسفه	پاسخنامه سوالات از موم سراسری ، قلم چی ، گاج ...
1	اصطلاحات زیر را تعریف کنید هستی شناسی: جزء بخش اصلی و ریشه ای فلسفه است که درباره احکام کلی و عام حاکم بر کل هستی بحث می کند. معرفت شناسی: جزء بخش اصلی و ریشه ای فلسفه است که توانایی انسان را در شناخت هستی مورد مطالعه قرار می دهد. فلسفه های مضاف: در حکم شاخه های فلسفه هستند و به آن دسته از دانش های فلسفی گفته ی شود که قوانین اساسی هستی شناسی و معرفت شناسی (بخش اصلی و ریشه ای فلسفه) را به محدود ده های خاص (همان علوم گوناگون) منتقل می کنند و قوانین آن محوده از وجود را بیان می کنند.	
2	هر یک از سوالات زیر مربوط به کدام یک از بخش های اصلی و ریشه ای فلسفه است؟ 1- قانون علیت در سراسر عالم جاری و ساری است. هستی شناسی 2- درک واقعیت های هستی امکان پذیر است . معرفت شناسی 3- موجودات جهان به دو دسته زوال پذیر و زوال ناپذیر تقسیم می شوند هستی شناسی 4- هستی یک وجود بی انتهاست و حد و مرزی ندارد. هستی شناسی 5- راههای مختلفی برای شناخت وجود دارد. معرفت شناسی	
3	کدام عبارت مناسب ترین پاسخ را به سوال زیر می دهد؟ "چرا مسئله علیت ،یکی از مسائل هستی شناسی است؟" خارج از کشور 97 الف: پذیرش علیت ،اساس همه تلاش های علمی و تجربی انسان است. ب: بدون بررسی مسئله علیت،شناخت ماهیت جهان غیر ممکن است. ج:مسئله علیت ، مسئله ای است که فقط با تبیین عقلانی قابل بررسی است. د: علیت ،رابطه ای وجودی میان دو موجود است و به اصل هستی باز می گردد.*	
4	بحث درباره توانایی انسان در شناخت هستی در مطرح می شود و سوال "ایا انسان می تواند قانون علیت را دریابد؟در حیطه ... مطرح می شود. الف: معرفت شناسی - معرفت شناسی* ج: معرفت شناسی - هستی شناسی کلمات کلیدی : شناخت ، دریابد	ب: هستی شناسی - معرفت شناسی د: هستی شناسی - هستی شناسی
5	چرا معرفت شناسی جزء بخش اصلی و ریشه ای فلسفه است؟ زیرا معرفت به وجود فرع بر امکان شناخت آن است یعنی اول باید ببینیم شناخت وجود امکان پذیر هست یانه؟ و بعد از اینکه اثبات شد می توان وجود را شناخت ،بعد از آن هست که می توان در مورد وجود بحث کرد.	
6	بحث شناخت و معرفت ،یکی از مباحث است که در حیطه می باشد .سراسری 84 الف: فلسفه - بخش ریشه ای فلسفه * ب: فلسفه - شاخه های دانش فلسفه ج: علم - شاخه های دانش فلسفه د: علم - بخش اصلی فلسفه بحث شناخت و معرفت در معرفت شناسی مطرح می شود که از بخش های مربوط به بخش اصلی و ریشه ای فلسفه است.	
7	وظیفه ی شاخه های دانش فلسفه چیست؟ با مثال توضیح دهید. قوانین اساسی هستی شناسی و معرفت شناسی (بخش اصلی و ریشه ای فلسفه) را به محدود ده های خاص (همان علوم گوناگون) منتقل می کنند و قوانین آن محوده از وجود را بیان می کنند.	
8	شاخه های فلسفه چگونه شکل می گیرد؟ با تامل فیلسوفانه در هر یک از حوزه های علم مثل اخلاق ، دین ،سیاست .. شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق،فلسفه دی،فلسفه سیاست .. شکل می گیرد	
9	شاخه های دانش فلسفه را چه می نامند؟چرا؟ فلسفه های مضاف زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است اضافه شده است.مانند فلسفه اخلاق،فلسفه حقوق...	
10	نام فلسفه های مضاف هر یک از گزاره های زیر را بنویسید. 1- انسان مدنی بالطبع است و ذاتا به زندگی اجتماعی گرایش دارد. ← فلسفه جامعه شناسی 2- زندگی را با امید بنا کن زیرا جهان طراحی دقیق دارد. ← فلسفه انسان شناسی 3- اساس حکومت و سیاست را قدرت تشکیل می دهد← فلسفه سیاست 4- تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می کند. ← فلسفه تاریخ 5- برخی از فضائل اخلاقی ذاتا ارزشمند هستند. ← فلسفه اخلاق	

11	<p>مشخص کنید هر یک از موارد زیر در کدام بخش از فلسفه و یا علوم دیگر قرار می گیرند؟</p> <p>1- زوال پذیری موجودات ← هستی شناسی</p> <p>2- امکان شناخت ← معرفت شناسی</p> <p>3- علم اقتصاد ← سایر علوم (یکی از شاخه های رشته علوم انسانی)</p> <p>4- فلسفه دین ← فلسفه مضاف</p>
12	<p>کدام عبارت توصیف درستی از حیطه های فلسفه ارائه می دهد؟ خارج از کشور 99</p> <p>الف: هستی شناسی پل ارتباطی میان فلسفه های مضاف و دانش بشری است.</p> <p>ب: هستی شناسی بخش اصلی فلسفه است که ریشه و شاخه های فلسفه را در بر می گیرد</p> <p>ج: فلسفه های مضاف مسائل خاص فلسفه را وارد حیطه های گوناگون علوم و فنون می کنند.*</p> <p>د: هر شاخه فلسفه قسمتی از فلسفه است که بنیان آن را یکی از شاخه های علوم می سازد.</p> <p>توضیح: فلسفه های مضاف پل ارتباطی هستند . هستی شناسی به شاخه های فلسفه مربوط نمی شود. بنیان های علوم را شاخه های فلسفه می سازند نه بالعکس</p>
13	<p>کدام عبارت درست است ؟ سراسری 99</p> <p>الف: رشته های مختلف دانش ، روابط بخش اصلی با فلسفه های مضاف هستند.</p> <p>ب: در حیطه فلسفه سیاست ، یک فیلسوف در عین حال باید سیاستمدار هم باشد.</p> <p>ج: هستی شناسی بخش اصلی فلسفه است که ریشه و شاخه های فلسفه را در بر می گیرد.</p> <p>د: مکتب های گوناگون تربیتی عصر حاضر ، در آثار بسیاری از فیلسوفان قدیمی ریشه دارد.*</p> <p>توضیح: فلسفه های مضاف رابط بین بخش اصلی و دانش ها و یا سایر علوم هستند. لزومی ندارد کسی که به فلسفه سیاست می پردازد خودش سیاستمدار باشد. بخش اصلی فلسفه شامل شاخه های فلسفه نمی شود</p>
14	<p>دیدگاه خاص فیلسوف در به گونه ای خاص در دیدگاه وی در تاثیرگذار است و شناخت هستی امکان شناخت هستی است.</p> <p>الف: هستی شناسی - فلسفه مضاف - مقدم بر</p> <p>ج: هستی شناسی - فلسفه مضاف - موخر از *</p> <p>دیدگاه فیلسوف در هستی شناسی پدر دیدگاه وی در فلسفه مضاف موثر است (مثال مادی و معنوی) از شناخت هستی فرع بر (موخر از) امکان شناخت هستی است اول باید ببینیم شناخت وجود امکان پذیر هست یا نه؟ اول امکان شناخت هستی و بعد از آن شناخت هستی مطرح می شود</p>
15	<p>درباره کسی که هستی را دارای دو بعد مادی و غیر مادی می داند و به تبع آن انسان را ترکیبی از جسم و روح در نظر می گیرد در واقع.....</p> <p>الف: هستی شناسی او متأثر از انسان شناسی اوست</p> <p>ب: انسان شناسی او تحت تاثیر هستی شناسی اوست *</p> <p>ج: انسان شناسی او تحت تاثیر معرفت شناسی اوست</p>
16	<p>اظهار نظر متفاوت فیلسوفان در مسائل بنیادین علوم ناشی از چیست؟</p> <p>الف: تفاوت موضوعات مورد تحقیق</p> <p>ب: تفاوت دیدگاه ها در مابعدالطبیعه و معرفت شناسی *</p>
17	<p>کدام مورد به ترتیب به ریشه و یکی از شاخه های فلسفه اشاره دارد.</p> <p>الف: فلسفه اولی - متافیزیک</p> <p>ب: هستی شناسی - فیزیک</p> <p>ج: مابعدالطبیعه - معرفت شناسی</p> <p>د: فلسفه اولی - فلسفه فیزیک*</p> <p>بخش اصلی که به منزله ریشه و پایه فلسفه است فلسفه اولی یا هستی شناسی و معرفت شناسی نام دارد.</p> <p>فلسفه اولی = متافیزیک = مابعدالطبیعه</p>
18	<p>فلسفه های مضاف و علوم مختلف چگونه با هم ارتباط پیدا می کنند؟</p> <p>آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد.</p>
19	<p>به طور خاص میانی و زیر بناهای علوم را در کجا باید جستجو کرد؟</p> <p>الف: معرفت شناسی</p> <p>ب: هستی شناسی</p> <p>ج: فلسفه های مضاف *</p> <p>د: فلسفه علم</p>
20	<p>نتایج اعتقاد به اصالت فرد در جامعه در حوزه سیاست ، اقتصاد و فرهنگ چیست چیست؟</p> <p>آنان که به اصالت فرد اعتقاد دارند در سیاست معتقد به لیبرالیسم هستند که تامین کننده آزادی فردی است و در برنامه ریزی های اقتصادی و فرهنگی به منافع و رشد فرد توجه دارند.</p>
21	<p>نتایج اعتقاد به اصالت جامعه در حوزه سیاست ، اقتصاد و فرهنگ چیست؟</p> <p>آنان که برای جامعه اصالت قائلند در حوزه سیاست به سوسیالیست اعتقاد دارند که تامین کننده منافع جمعی است و برنامه های فرهنگی و اقتصادی آنها سمت و سوی اجتماعی دارد و منافع جمع را در اولویت قرار می دهند.</p>
22	<p>انان که به اصالت فرد معتقدند در سیاست معتقد به هستند که تامین کننده ی است. لیبرالیسم - آزادی فردی و آنان که برای جامعه اصالت قائلند در سیاست معتقد به هستند که تامین کننده است . سوسیالیسم - منافع جمعی</p>

23	جبر گرایی و عدم وجود اراده و اختیار برای انسان با کدام نظریه سازگارتر است؟ اصالت فرد اصالت جامعه* لیبرالیسم اصالت فرد و جامعه توامان
24	اعتقاد به کدام مطلب، معتقدان به اصالت فرد را از طرفداران اصالت جامعه جدا می کند؟ سراسری 95 الف: وجود جامعه وابسته به وجود افراد است ب: جامعه، همان مجموع افراد اجتماع است* ج: جامعه، تجمع مردمی با هدف های مشترک است د: حیثیت اجتماعی، وابسته به وجود جامعه است. معتقدان به اصالت فرد، جامعه را مجموعه ای از افراد می دانند که کنار هم زندگی می کنند دقت نمایید علت رد گزینه الف این است که وجود جامعه را ضمن وجود افراد پذیرفته است در حالیکه در اصالت فرد برای جامعه وجودی قائل نیستند.
25	دیدگاه فلسفی کسانی که به اصالت فرد و جامعه توامان اعتقاد دارند را بنویسید. بنابر نظر این دیدگاه گرچه افراد تحت تاثیر شرایط اجتماعی قرار می گیرند اما هرگز قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تاثیر گذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را هم دارند. همچنین معتقدند جامعه صرفا مجموعه ای از افراد نیست زیرا با گرد آمدن افراد دور هم و زندگی طولانی یک روح جمعی در جامعه شکل می گیرد که می تواند بر افراد جامعه تاثیر بگذارد و آنها را تابعی از شرایط و ساختار جامعه قرار دهد (هم افراد بر جامعه تاثیر می گذارند و هم جامعه بر افراد)
26	هریک از کلمات زیر با کدام یک از دو دیدگاه اصالت فرد و جامعه تناسب بیشتری دارد؟ آزادی: اصالت فرد عدالت: اصالت جامعه مالکیت خصوصی: اصالت فرد تعاونی های اقتصادی: اصالت جامعه
27	طبق دیدگاه اصالت توامان فرد و جامعه، چه چیزی افراد را تابعی از ویژگی ها و ساختار جامعه قرار می دهد؟ الف: قدرت اختیار و تصمیم گیری خود افراد ب: شکل گیری روح جمعی در جامعه* ج: تحت تاثیر عوامل اجتماعی بودن افراد د: توانایی افراد بر تاثیر گذاری و حتی تغییر جامعه
28	"تبعیت تصمیم گیری ها از شرایط اجتماعی افراد" و "شکل گیری روح جمعی در جامعه" به ترتیب در دیدگاه و مطرح می شود. الف: اصالت فرد - اصالت جامعه ب: اصالت فرد - اصالت فرد و جامعه ج: اصالت جامعه - اصالت فرد و جامعه* د: دیدگاه اصالت جامعه، افکار، اندیشه ها و تصمیم گیری ها تابع شرایط اجتماعی افراد است.
29	اینکه "افراد توانایی تاثیر گذاری بر جامعه را دارند" و اینکه "افراد جامعه می توانند تابعی از ساختار جامعه قرار گیرند" به ترتیب در دیدگاه ... و مطرح می شود. الف: اصالت فرد - اصالت فرد و جامعه ب: اصالت فرد و جامعه - اصالت جامعه ج: اصالت فرد و جامعه - اصالت فرد و جامعه* د: اصالت فرد - اصالت جامعه
30	کدام مورد یک سوال فلسفی است؟ سراسری 96 الف: کدام مکتب انسان را تابع اقتصاد می داند؟ ب: آیا انسان ها در ابتدا نژاد واحدی داشته اند؟ ج: آزادی تابع فرهنگ است یا فرهنگ تابع آزادی؟* د: چگونه انسان می تواند خودخواهی را با دیگر خواهی جمع کند؟ کلیت و عمومیت گزینه ج از سایر گزینه ها بیشتر است.
31	کدام مورد را می توان پرسش فلسفی دانست؟ سراسری 1400 الف: فلسفه چگونه دانشی است؟ ← در حیطه دانش شناسی است ب: فلسفه خواندن نماز چیست؟ ← در حیطه فلسفه مضاف است ج: زندگی کردن چه فایده ای دارد؟* ← کلی تر از گزینه ب است د: آیا تفکر تابع قواعد خاصی است؟ ← سوال در حیطه منطق است این سوال (گزینه ج) یک سوال بنیادین در رابطه با هدف زندگی است.

"موفقیت، یک قدم بزرگ در آینده دور نیست بلکه یک قدم کوچک است که همین لحظه بر می داری"